

فوتبال، نژادپرستی و مذهب؟!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

در هفته های اخیر به مناسبت مسابقات جام ملت های اروپا (یورو ۲۰۰۸)، تب فوتبال در تمام جوامع بشری به اوج خود رسید. تیم ملی فوتبال اسپانیا، با پیروزی یک بر صفر بر تیم ملی آلمان در بازی فینال، به مقام قهرمانی جام قهرمانی ۲۰۰۸ اروپا دست یافت.

در این روزها، ناسیونالیست ها، نژادپرستان و خرافه پرستان مذهبی به بهانه دفاع از تیم ملی خود، اهداف و سیاست های غیرانسانی شان را به نمایش گذاشتند. بدین ترتیب، ورزش به ویژه فوتبال از جنبه تفریحی و سرگرمی آن خارج شده و به رقابت در کلیه عرصه های اقتصادی، سیاسی تا باندهای مافیایی دولتی و غیردولتی تبدیل شده است.

در انگلستان، کردهای ناسیونالیست و پان ترکیست درگیر شدند؛ نخست وزیر ها و روسای جمهوری کشورها در صفحه تلویزیون ها ظاهر شدند و از برتری تیم خودشان سخن رانند. در میدان های فوتبال و صفحات تلویزیون ها سرودهای احساسات ملی باد زده شد. گروه های سازمان دهی شده هواداران تیم های مختلف «هولوگان» ها، فاش های رکبک و سرودهای نژادپرستانه سر دادند.

برای مثال، در سال ۲۰۰۶ بعد از این که بازیکن سیاهپوست انگلیسی در یک بازی دوستانه در مقابل اسپانیا در مادرید مورد تحقیر نژادپرستان قرار گرفت، سازمان های بین المللی فدراسیون فوتبال اسپانیا را فقط ۶۵۰۰۰ یورو (۱۰۰ هزار دلار) جریمه کرد.

مساله نژادپرستی در هواداری از بازی فوتبال، به یک مساله جدی و خطرناکی تبدیل شده است. بر این اساس، هم اکنون در یورو ۲۰۰۸، یک اتحادیه مبارزه با نژادپرستان تاسیس شده است که تبلیغات آن در تمام بیلوردهای استادیوم ها دیده می شود.

میشل پلاتینی، رئیس یوفا در این مورد گفته است: «ما یک مبارزه بزرگ و طولانی برای این اقدامات در راستای گسترش عزت نفس و حفظ احترام افراد انجام داده ایم. اما تفاوتی بین مردم و ما که این اقدامات را انجام می دهیم وجود دارد. ما همیشه مسئولیت را در خود احساس می کردیم، که در برابر مردم و باشگاه هایی که نژادپرستی مورد علاقه شان هست برطافت و مقاوم باشیم.»

پلاتینی، در ادامه می افزاید: «به نظر من این یک مساله و مشکل برای فوتبال نیست، این یک مشکل اجتماعی است. اما با این وجود این مساله اجتماعی تلفی می شود و در فوتبال نیز باید با همراهی مربیان، بازیکنان و هواداران نژادپرستی را به حاشیه راند.»

البته تعدادی از هواداران فوتبال، به این عرصه نه به عنوان ورزش، بلکه به عنوان یک بازی قمار و پول ساز می نگرند و شرط بندی های زیادی با تبلیغات وسیع در رسانه های بورژوازی صورت می گیرد، به همین دلیل بر سر برد و باخت تیم های فوتبال و حتی فوتبالیست ها میلیون ها دلار سرمایه گذاری می شود و سرمایه داران در این عرصه نیز به رقابت یم پردازند. آن ها، گروه های نژادپرست را از این کشور به آن کشور می فرستند تا به اصطلاح تیم خودی را تشویق کنند و در صورت لزوم پایان مسابقات را به زد و خوردهای خنین تبدیل کنند تا زهر چشم از تیم رقیب بگیرند. اکنون سرمایه گذاری و قمار بر سر مسابقات فوتبال به یک پدیده جهانی محسوب می شود.

هم چنان که اورهان پاموک، دارنده جایزه نوبل ادبی، در گفتگو با اشپگل، در جواب این سوال که «شش سال پیش تیم ترکیه در جایگاه سوم جام جهانی قرار گرفت»، چنین جواب می دهد: «بله. اما بعدا بازیکنان تیم ملی ما پس از ناکامی در شرکت در جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان، بازیکنان تیم سوئیس را مورد حمله قرار دادند. این عمل غیر اخلاقی و نابخشودنی بود، به ویژه روشی که بعدا روزنامه های ترکیه در باره اش نوشتند. آن ها گناه ناکامی تیم ترکیه را به گردن داوران بازی انداختند و به انواع نظریه های توطئه متوسل شدند. واقعا وحشتناک است. این روزها فوتبال ترکیه در خدمت اهداف ناسیونالیسم قرار دارد، اما نه در خدمت مردم.»

در ایران نیز تحریک احساسات مذهبی عاملی تعیین کننده در عرصه فوتبال است. در ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی، این بازی به عرصه ای در راستای تبلیغ خرافات اسلامی و کشمکش و رقابت جناح های حکومتی تبدیل شده است. اساسا تبلیغ خرافات مذهبی به سران حکومت و آخوندهای ریز و درشت محدود نمی شود، بلکه کسانی هم چون علی دایی، سر مربی تیم ملی ایران، برای حفظ موقعیت خود، به خرافات مذهبی، جادو و طلسم و شکستن آن با دعا و غیره متوسل شده است.

بنا به گزارش سایت حکومتی نواندیش، «سرمرپی تیم ملی و تیم سایپا در گفتگویی شایعات مندرج در رسانه ها مبنی بر باطل شدن طلسم شدن تیم سایپا و آغاز بردهای این تیم را در سال ۱۳۸۶ تایید کرد.

به گزارش «نواندیش»، علی دایی در گفتگو با ویژه نامه نوروزی «روزنامه ایران» در پاسخ به سنوالی در خصوص جادو شدن تیم سایپا توسط یک جادوگر گفته است: این عین واقعیت بود. يك روز تلفن همراهم را روشن کردم و دیدم از يك خط اعتباری تالیا برایم پیام کوتاهی فرستاده شده. بیش تر اوقات این جور پیام های ناشناس را پاك می كنم وسوسه شدم كه این یکی را بخوانم. دیدم نوشته پسر يك رمال و دعانویس است كه به حج و زیارت خانه خدا می رود، نوشته بود كه حلالیت بگیرد. گفته بود پدرش دعانویس است كه از طرف يك نفر مامور شده تا تیم ما را طلسم كند. حلالیت خواست چون می گفت نان این پدر را خورده! ما خیلی دنبال فرستنده كشتیم. تمام آن نوشته ها عین واقعیت بود.

علی دایی، در پاسخ به این سنوال كه «چه کسی سفارش این جادو را می داد؟» افزوده است: می دانم، ولی نمی دانم! این یکی را نمی گویم. به هر حال تیم ما به آسیا رفته بود. مربیان زیادی برای مربیگری سایپا دندان تیز می كردند. ما به خیلی چیزها اعتقاد داریم ولی قرآن همه ما سند است. در همین قرآن آمده كه از سحر و جادو بترسید. همان کسی كه پیامك فرستاد گفت در بازی بعد چه اتفاقی می افتد. جلوی پگاه همه چیز مو به مو اجرا شد. ما باختیم. چون باید شكست می خوردیم!

سرمرربی تیم سایپا در پاسخ به این سنوآل که «چطور باطلش کردید؟» گفت: با دعا، با توسل و سپس در پاسخ به سنوآل دیگری مینی بر «و البته در محضر و با کمک دعای خیر آیت الله العظمی بهجت.» ادامه داد: ایشان اصلاً نمی شناخت. يك بار رفتم دفتر ایشان و حاضرم زندگی ام را فدایش کنم. من فقط ۲۰ ثانیه روبروی آیت الله العظمی بهجت نشستم. سرشان را بلند کردند، چند توصیه کوتاه کردند و در آخر هم گفتند تو آدمی هستی که زیاد در چشم مردم قرار می گیری. بعد پشت سر ایشان نماز خواندم. هر زمان به یاد آن نماز آیت الله العظمی بهجت می افتم مو به تنم راست می شود.

سرمرربی تیم ملی، هم چنین در این گفتگوی نرورزی (سال ۱۳۸۷)، در جواب خبرنگار ایران که پرسیده بود «روی نیمکت هم ذکر می گویند.» اذعان کرده است: صلوات می فرستم.

همشهری جوان نیز در گفتگویی با علی دایی، نوشته هاست: سرمرربی تیم سایپا درباره اخباری مینی بر این که وی معتقد است تیمش طلسم یا جادو شده است گفت: در مدت ضعف تیم، متأسفانه خیلی از مسائل را مطرح کردند در روزنامه ها؛ از جادوگر، طلسم، سحر و فلان ... مهم نحوه پرداختن به موضوع است. و الا خود من به جادو اعتقاد دارم چون در قرآن هم آمده که «هذا سحر مبین» و متأسفانه بعضی ها به این کارها دست می زنند و این قبیل کارهای آن ها شیطانی است. در این مدت من اعتقادم به خدا را قوی تر کردم. خدا را شکر، توانستم از این مسائل که تیم جادو شده است بیرون بیایم. قبل از آن مدام در فکر می رفتم که خدایا مگر می شود تو نخواهی و کسی جادو بکند؟! اما نزدیک شدن به خدا خیلی به من کمک کرد و من را به خودم آورد. همین نزدیک تر شدن به نظرم کارمان را درست کرده و تیم مان از این رو به آن رو شد.

وی، درباره علت تسبیح به دست گرفتنش در بازی های اخیر گفت: من به خاطر این که آرامش پیدا کنم تسبیح در دست گرفته بودم و صلوات می فرستادم و به نظر من آدم باید خودش را با اعتقادات قبلی و دینی اش تقویت کند نه این که برود دنبال کارهای شیطانی. این جا به من ثابت شد اگر خیلی ها هم کارهای شیطانی بکنند، آدم می تواند با قوی کردن اعتقادات خودش بر خیلی چیزها فائق بشود. آدم با اعتقادات اش می تواند هزار تا جادو را هم خنثی بکند و اگر راه مستقیم را برود به خیلی چیزها می رسد. سحر و جادو شاید مقطعی جواب بدهد اما همیشه کی نیست.

علی دایی، درباره صحت و سقم اخبار مربوط به دیدارش با آیت الله العظمی بهجت گفت: يك روز رفتم پیش آیت الله بهجت و اصلاً صحبت هایی که ایشان با من کرد، يك اعتماد به نفس و يك قوت قلب بزرگی به من داد که وقتی دوباره به تمرینات آمدم، می دانستم این بار موفق می شوم چون بعضی صحبت هایی که کردند سبب شد اعتقادم بیش تر شود. فکر می کنم زمانی که آدم به اصل رو بیاورد می تواند در همه چیز موفق بشود. این مسائل، من را به خودم آورد. شاید يك خرده از خودم دور شده بودم و این جریان من را برگرداند به همانی که می بایست باشم و خدا را شکر می کنم.

در نخستین گام به حضور ۲ روحانی بزرگوار رسیدند و با دعوت از آن ها برای حضور در تمرینات این تیم گوسفندی را قربانی کردند و ذکر گفتند تا شاید این اقدام اثر آن کارها را از بین ببرد اما ظاهراً این راهکار، «نارنجی پوشان» را راضی نکرد. به این ترتیب، آن ها این بار به محضر يك روحانی «عالی قدر» رفتند تا بتوانند با استفاده از توان معنوی دعای این «بزرگوار» راه به جایی ببرند. آن ها خدمت حضرت آیت الله العظمی بهجت رسیدند تا مشکلات سایپا را با ایشان در میان بگذارند و از ایشان طلب یاری کنند. در این خبر که روی خروجی سرویس خبری قم (قمنا) قرار گرفت، آمده بود:

«علی دایی به همراه تعدادی از مسئولان باشگاه سایپای تهران شنبه در دفتر آیت الله العظمی بهجت حضور یافتند و از نزدیک با آیت الله العظمی بهجت دیدار کردند.»

دایی که «برای زیارت از بارگاه حضرت معصومه(س) و مسجد جمکران راهی قم شده بود، به ملاقات مرجع تقلیدش رفت. پس از آن که دایی نماز ظهر و عصر را در صف اول جماعت به امامت آیت... العظمی بهجت خواند، از مرجع تقلید خود خواست تا برای موفقیت در زندگی و مربیگری اش دعا کند.»

در این دیدار «علی دایی، به پاره ای از مشکلات خود و باشگاه سایپا اشاره کرد و آیت الله العظمی بهجت نیز دستورات و توصیه هایی را به وی و همراهان فرمودند و برای ایشان دعای خیر کردند.» لازم به ذکر است دایی، قبل از دیدار با آیت الله العظمی بهجت، به یکی از اعضای دفتر معظم له گفتند که مدتی قبل شخصی با دادن نشانه هایی گفت: «باشگاه فوتبال سایپا بدخواه دارد و آن ها ادعا کردند که این تیم را طلسم کردند و سعی در مشکل تراشی برای این باشگاه دارند. نشانه هایی که شخص موردنظر گفت درست بود و همگی به وقوع پیوست. بدین منظور خدمت آیت الله بهجت رسیده ایم تا دعای خیر معظم له مشکل گشا شود.»

آیت الله بهجت، یکی از مهره های اصلی و پرنفوذ حکومت اسلامی است که هر کسی را بپذیرد گره او را برای رسیدن به پستی و مقامی می گشاید، به همین دلیل بیش تر سرداران غیبی امام زمان، سپاه، بسیج، استنادار، فرماندار، وزیر و نماینده مجلس و غیره که با ایشان دیدار می کنند و خواهان سهم بیش تری از حاکمیت هستند اگر مورد تأیید وی قرار گیرند بعید است که کسی از سران حکومت اسلامی دست رد به سینه وی بزند. از این رو، مشکل علی دایی را نیز ایشان حل کردند، طلسم وی را اشکستند تا این که او، سرمرربی تیم ملی فوتبال ایران گردید؟!

البته اگر از انشاء الله و ماشاء الله علی دایی بگذریم به نوشته روزنامه ها، وی، غیر از حمایت برخی از آیت الله ها، از حمایت رییس جمهوری نیز برخوردار است و دستمزدی بالغ بر یک میلیارد و صد هزار یورو، حدود یک میلیارد و ششصد و هفتصد میلیون، دریافت می کند؛ در کشوری که دستمزد ناچیز کارگران ماه ها پرداخت نمی شود و گرانی کمرشکن است امر علی دایی ها نیست؟!

علی دایی، پولدارترین فوتبالیست ایران است. گفتگوی رشیدپور، مجری برنامه مثلث شیشه ای شبکه پنج سیما، با علی دایی این سخنان رد و بدل شد: «اصلاً این طور نیست و خدا را شکر، نمی گویم ندارم اما آنچه دارم متعلق به يك مجموعه است و من با خانواده ام زندگی می کنم و هیچ موقع همه چیز را برای خودم نخواسته ام و البته هنوز اجاره نشین هستیم نه این که نداشته باشم اما با سرمایه ام کار می کنم. حتی همسرم گهگاهی ناراحت می شود که چرا با این دارایی و سرمایه اجاره نشین هستیم. مجری برنامه در جواب این حرف دایی می گوید که باور نمی کنیم اما دایی می گوید: نگفتم ندارم اما با سرمایه ام کار می کنم و خدا را شکر بیش تر از آنچه حقم بوده هم دارم. علی دایی هیأت عزاداری دارد؟ نذری می دهد؟ علی دایی چقدر از انمه اطهار (ع) کمک می گیرد؟ دایی کمی مکث می کند و بعد می گوید: مطمئن هستیم در قهرمان شدن سایپا

حضرت زهرا (س) نظری داشته اند. امشب شب شهادت خانم فاطمه زهرا (س) است و مطمئن هستم خانم نظر ویژه ای به ما داشته. هرگز فراموش نمی کنم که برای يك بازی پیشانی بند با نام انمه به بچه های تیم ملی دادند. کاملاً اتفاقی نام خانم فاطمه زهرا (س) به من رسید. از بچگی عاشق خانم فاطمه زهرا (س) بودم و ارادت ویژه ای به ایشان دارم...»

علی دایی، هم چنین در یکی از برنامه های نود صدا و سیما حکومت اسلامی، در پاسخ به این پرسش که «شما قبلاً گفته بودید کسی سرمربی تیم ملی ایران می شود که در فدراسیون فوتبال لابی قوی تری داشته باشد و حالا خودتان سرمربی شده اید.» گفت که بغیبه با بنده های خدا لابی کردند و من با خود خدا... پس از یک دوره طولانی کشمکش بین سران حکومت اسلامی و فیفا، سرانجام علی دایی، کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران و سرمربی فعلی باشگاه سایپا، به سر مربیگری تیم ملی فوتبال ایران منصوب شد. محمود احمدی نژاد، از محمد علی آبادی خواست از رقابت در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال کناره گیری کند. احمدی نژاد یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۸۶ (۱۶ دسامبر ۲۰۰۷)، در گفتگو با تلویزیون دولتی ایران گفت این درخواست به خاطر «مصلحت فوتبال» مطرح شده است.

این خبر در شرایطی منتشر شده است که فیفا، فدراسیون جهانی فوتبال در روز ۱۴ آذر (۵ دسامبر) اعلام کرد که به مسئولان ایرانی هشدار داده است اگر نامزدی محمد علی آبادی، رئیس کنونی سازمان تربیت بدنی در انتخابات فدراسیون فوتبال تایید شود، این انتخابات را به رسمیت نخواهد شناخت. با این حال محمود احمدی نژاد، گفت: «به او گفتیم... کنار برود تا مشکلات حل شود و من بعداً درباره مشکلات پیش آمده بررسی و آن را حل خواهم کرد.»

فیفا، در روز پنجشنبه ۲۲ نوامبر ۲۰۰۶ طی بیانیه ای اعلام کرد که فدراسیون فوتبال ایران در روند تصمیم گیری ها، انتخاب اعضای فدراسیون و تعیین رئیس فدراسیون، استقلال خود را از دولت حفظ نکرده و بدین ترتیب ناقص بند هفده اساسنامه فیفا شناخته شده است.

به همین دلیل فیفا تمام تیم های ملی و باشگاهی ایران را از حضور در میادین بین المللی محروم کرد. اما با رایزنی های انجام شده یک کمیته انتقالی شش نفره مرکب از سه نماینده فیفا (صفای فرآهانی، خیرری و غفاری) و سه نفر از نمایندگان سازمان تربیت بدنی ایران، مامور اداره امور فوتبال ایران و تدوین اساسنامه فدراسیون شد.

اساسنامه تهیه شده در این کمیته چند بار به فیفا ارسال شد که فیفا هر بار ایرادهایی حقوقی و جزئی به این اساسنامه گرفت، تا این که روز سه شنبه سه شنبه ۲ ژوئیه ۲۰۰۷ - ۱۲ تیر ۱۳۸۶ اعلام شد این اساسنامه به تایید نهایی فیفا رسیده و قابل اجرا است.

در پی برکناری محمد دادگان، رئیس وقت فدراسیون فوتبال ایران، فیفا به اتهام دخالت حکومت اسلامی در امور فدراسیون فوتبال، بازیکنان، داوران و تیم های ملی و باشگاهی ایران را از شرکت در مسابقات بین المللی معلق کرد و تا پذیرش تدوین اساسنامه ای جدید برای اداره فدراسیون فوتبال ایران (بدون دخالت دولت)، تعلیق ایران ادامه داشت.

فیفا، خود و فدراسیون های فوتبال عضو را نهاد غیردولتی (NGO) می داند و بر اصل جدایی دولت ها از اداره امور فوتبال در کشورهای عضو به شدت تاکید دارد.

علی دایی، متولد ۱ فروردین ۱۳۴۸، بازیکن سابق تیم ملی ایران و سرمربی کنونی این تیم و سرمربی سابق تیم سایپا است. او، در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۸۶، طی حکمی از سوی علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال ایران با قراردادی سه ساله به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران منصوب گردید.

بدین گونه، تیم ملی ایران که از حدود هفت ماه پیش و بعد از برکناری امیر قلعه نویی در پایان مسابقات جام ملت های آسیا بدون سرمربی بود، علی دایی به این سمت گمارده شد.

علی دایی، از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۵ (از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۶) در تیم ملی ایران بازی می کرد و در این مدت ۱۴۹ بار با پیراهن تیم ملی ایران به میدان رفت و بیش از ۱۰۰ بار گل زد.

علی دایی، متولد اردبیل است و فوتبال را در سن ۱۹ سالگی در تیم استقلال این شهرستان آغاز کرد. او، در سال ۱۳۷۳ و در حالی که بازیکن تیم بانک تجارت بود، به تیم ملی ایران دعوت شد.

دایی در سال ۱۹۹۶، به تیم آلمانی «آرمینیا بیله فلد» پیوست و سپس مورد توجه باشگاه بایرن مونیخ قرار گرفت و بعد از یک فصل حضور در بیله فلد به بایرن مونیخ، و سرانجام به تیم آلمانی هرتا برلین پیوست.

علی دایی، بعد از بازی در هرتا برلین، بازی در اروپا را ترک کرد و به فوتبال خود در آسیا ادامه داد. او، یک فصل در الشیب امارات و یک فصل در السد قطر بازی کرد و بعد دوباره به تیم سابقش، پرسپولیس، برگشت. دایی بعد از یک فصل حضور در پرسپولیس به صبابتی رفت.

سپس به باشگاه سایپا رفت و بعد از چند ماه به عنوان سرمربی و بازیکن هم زمان این تیم معرفی شد. او، در طول این سال ها ۱۴۹ بار برای تیم ملی ایران بازی کرده است. او، در حال حاضر عضو کمیته فوتبال فدراسیون بین المللی فوتبال، فیفا نیز هست.

لازم به یادآوری است که نئونازی ها در اینترنت سایتی را برای تظاهرات روز ۲۱ ژوئن ۲۰۰۶ اختصاص داده اند. در این روز تیم ایران با تیم آنکولا مسابقه می دهد. آن ها در این سایت همبستگی خود را با حکومت اسلامی و احمدی نژاد به نمایش می گذارند.

پیش از این روز پنجشنبه ۲۰ آوریل ۲۰۰۶ نودو فویگت Udo Voigt رئیس حزب نئونازی آلمان که در این کشور نه تنها ممنوع نیست، بلکه حق شرکت در انتخابات را هم دارد، ولی از سوی نهادهای امنیتی آلمان به شدت تحت کنترل قرار داشته و به عنوان حزب راست های افراطی معروف است (ان پ د NPD مخفف حزب ناسیونال دمکراتیک آلمان است- برای یادآوری: حزب هیتلر، ناسیونال سوسیالیست نام داشت که اعضا و هوادارانش به اختصار به «نازی» معروف شدند) در یک گفتگو با برنامه «پانوراما» که از شبکه یک تلویزیون دولتی آلمان پخش شد با پشتیبانی از احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد که این حزب به دلیل نزدیکی به مواضع سیاسی حکومت ایران، قصد دارد استقبال شایانی از تیم فوتبال ایران به عمل آورد و از حالا برای این استقبال تدارک می بیند.

خبر استقبال و پشتیبانی نئونازی ها از تیم ایران در همه خیرگزاری ها و کانال های تلویزیونی و رادیویی آلمان جزو نخستین خبرها پخش گردید.

روزنامه بریتانیایی گاردین روز چهارشنبه ۱۲ آوریل ۲۰۰۶ نیز در گزارشی به خبر حمایت یک گروه نئونازی آلمان از تیم فوتبال ایران در جام جهانی پرداخت.

بنابه این گزارش، حزب راستگرای افراطی ان پی دی (NPD) به دنبال تبلیغ مواضع خود با بهره برداری از پوشش رسانه ای جام جهانی فوتبال است، و مقام های این گروه قصد دارند روز ۲۱ ژوئن در شهر لایپزیگ، محل برگزاری دیدار ایران و انگولا، راهپیمایی کنند.

در بیانیه کوتاهی که در وب سایت این حزب آلمانی منتشر شده، با اشاره به تهدیدهای موجود علیه ایران و اعلام همدلی با مردم این کشور، آمده است: «ما می خواهیم ورود تیم ملی فوتبال ایران را به شهر لایپزیگ خوشامد بگوییم.»

نویسندگان گاردین، هم چنین از فعالیت مشابه یک گروه راستگرای پرتغالی در دوران جام جهانی خبر داده اند و نوشته اند که حزب ان پی دی آلمان تصمیم دارد علاوه بر ایران، بازی های تیم فوتبال لهستان را نیز هدف برنامه های تبلیغاتی خود قرار دهد.

جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶، در روز ۹ ژوئن در شهرهای مختلف کشور آلمان برگزار گردید. به نوشته روزنامه گاردین، اعضای این حزب افراطی آلمانی محمود احمدی نژاد، رییس جمهور ایران، را به خاطر «افسانه» خواندن واقعه کشتار یهودیان و... تحسین می کنند.

روزنامه گاردین نوشته است افزایش نگرانی ها موجب شده گروه «فوتبال بر ضد نژادپرستی در اروپا» رسماً در این مورد به مسئولان برگزاری جام جهانی هشدار بدهد. قرار شد ناظرانی از این گروه دیدارهای جام جهانی را بررسی کنند و در مورد شعارها و پلاکاردهای تماشاگران به مقام های مسئول گزارش بدهند.

بدین ترتیب، علاوه بر استقبال فاشیست های آلمان از احمد نژاد و فوتبال ایران، ورزش در این کشور در دست باندهای مافیایی دولتی و غیردولتی اسیر است و فوتبالیست های معروفی هم چون علی دایی که نان به نرخ روز می خورد و مبلغ خرافات مذهبی می شود الگوی بسیار بدی به ویژه در میان جوانان طرفدار فوتبال و هواداران خود است. علی دایی، به جای این که طرفدار آزادیف برابری و مدنیت باشند؛ از حقوق برابری زن و مرد و حضور زنان در مسابقات ورزشی دفاع کند؛ به سرکوب های فردی و اجتماعی، زندان، شکنجه، اعدام و سنگسار مخالفت نماید به خرافات مذهبی و آخوندها و عوام فریبی متوسل می شود تا موقعیت خود را حفظ کند. بنابراین، فوتبال ایران، بیش از هر کشور دیگری اسیر خرافات مذهبی و مافیای قدرت است. عملکرد و تفکر علی دایی در رابطه با مذهب و حاکمیت نه تنها الگوی خوبی به ویژه برای جوانان طرفدار فوتبال نیست، بلکه خطرناک هم هست. زیرا خرافات مذهبی را در جامعه اشاعه می دهد و به شستشوی مغزی جوانان با خرافات مذهبی باری می رساند نه به آزادی و برابری و حرمت انسان ها!

علی دایی، چهره های متفاوت دارد. او، هم زرنگ است و هم به طلسم، فال، دعا، روضه و نوحه اعتقاد دارد و هم عاشق رهبر است. و هم چنین می داند چگونه با مافیای دولتی و غیردولتی در فوتبال کنار بیاید و هم فوتبالیست خوبی است.

در کشوری که رییس جمهوری آن در جلسات دولت یک صندلی خالی قرار می دهد که گویا صندلی امام زمان است که به صورت غیبی در جلسات دولت شرکت می کند، انتظاری بیش از این نیست که سرمری تیم ملی فوتبال آن نیز با دعا و طلسم و... در مسابقات حضور یابد. اگر احمدی نژاد نماینده امام زمان در پست ریاست جمهوری ایران است علی دایی نیز نماینده امام زمان در تیم ملی فوتبال این حکومت است؟!

فوتبالی که امروزه شاهد آن هستیم تاریخی چند هزار ساله دارد. فوتبال تختست در کشورهای چین، یونان، مصر و روم باستان زادگاه شد. تحقیقات نشان می دهد که ملل مختلف هزاران سال قبل از میلاد بازی های شبیه فوتبال داشته اند.

تاریخ شروع فوتبال در ایران نیز به حدود یک قرن پیش باز می گردد. یعنی زمانی که یک گروه انگلیسی برای اکتشاف نفت در جنوب ایران عازم کشورمان شد. پس از حفر اولین چاه نفت در «مسجد سلیمان» به سال ۱۹۰۸، فوتبال به شکل جدی در این شهر دنبال گردید.

با پایان یافتن جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان، نقشه جدید فوتبال در جهان ترسیم شد. بر اساس این نقشه و آمار و ارقام رسمی فیفا، در دنیا ۲۴۰ میلیون نفر در ۲۰۰ هزار باشگاه و در قالب یک میلیون و ۴۰۰ هزار تیم به عنوان بازیکن فوتبال به رسمیت شناخته شده اند. خانواده بزرگ فوتبال جهان که در نهایت ۷۰۴ بازیکن منتخب، آنان را در جام جهانی و در قالب ۲۲ تیم ۲۲ نفری نمایندگی می کنند. نخستین ویژگی مهم، آمیزش تمام عیار فوتبال با سرمایه داری جهانی و بازرگانی و تجاری آن است. جام جهانی و اعتبار فوتبال، در همکاری کامل با شرکای تجاری و حامیان مالی قرار گرفته است. آن ها سرمایه گذاران اصلی رونق کنونی فوتبال هستند. حق استفاده انحصاری از نام و لوگوی فیفا و درگیر شدن در تمام عرصه های برگزاری جام جهانی از مراکز خبری و اطلاع رسانی گرفته تا اماکن سرگرم کننده، سطح بهره برداری سرمایه گذاران و شرکای فیفا را تعریف می کند. بر این اساس طبیعی است که اگر فقط خانواده رسمی جهانی فوتبال در معرض تبلیغات حامیان مالی قرار گرفته باشند، بازار بزرگی به وسعت تمام جهان در مقابل خود دارند.

در کنار فیفا و شرکای تجاری، معمولاً میزبان به عنوان ضلع سوم منافع کوچک و بزرگی را شمارش می کند که به طور مثال درآمد کل حاصل از توربیسیم جام جهانی بین دو و نیم تا سه میلیارد دلار تخمین زده می شود.

هر جام جهانی محصول همکاری یک تیم بزرگ ۵۰ هزار نفری است که بدنه اصلی آن را مدیران و نیروهای داوطلب میزبان شکل می دهند. یکی از سرمایه گذاری ها در عرصه ستاره ها، مد و آرایش ظاهری بازیکنان است.

در جام جهانی ۲۰۰۶ شرکت آدیداس ابتکار جدیدی را به عرصه نمایش گذارد و یک ورزشگاه کوچک با ظرفیت ۹ هزار نفر و با تمام امکانات واقعی، آن هم در مدتی کم تر از یک ماه و در بهترین و مهم ترین نقطه شهر برلین ساخت. تماشاگران با خرید بلیط هایی به بهای ۲ یورو در این ورزشگاه از طریق تلویزیون های بزرگ به تماشای بازی ها می نشستند و در حاشیه آن نیز از تمام امکانات رفاهی مانند رستوران، زمین های بازی، صحنه رقص و موسیقی بهره مند می شدند. این در حالی است که ارزان ترین بلیط تماشای یک بازی واقعی کم تر از ۶۰

یورو نیست. آدیداس در این مدت درآمدی بالغ بر یک میلیون و ۸۰۰ هزار یورو از محل بلیط فروشی در این ورزشگاه موفق کسب کرد.

این رقم در مقابل آمار فروش محصولات این شرکت در فروشگاه اختصاصی جنب همین ورزشگاه مانند قطره در مقابل دریاست. چرا که تمامی توپ های فوتبالی که رسماً برای این بازی ها از آن استفاده می شد، به فروش رفت و تعداد یک میلیون و ۷۵۰ هزار عدد پیراهن های مختلف تیم های ملی کشورها به خصوص آلمان نیز، فروخته شد.

آدیداس اولین شرکتی بود که قرارداد شراکت تجاری با فیفا برای سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ را به امضا رساند. طبق این قرارداد ۳۵۱ میلیون دلاری، آدیداس ۲۱۵ میلیون دلار نقد و ۱۳۶ میلیون دلار در قالب تجهیزات ورزشی در اختیار فیفا قرار خواهد داد. برای این دوره هشت ساله فیفا در پی شش شریک تجاری، ۶ تا ۸ بانی مالی و ۲ تا ۶ حامی مالی (و ملی) دیگر است.

فیفا، از محل فروش حق پخش تصاویر تلویزیونی نیز درآمدی حداقل بالغ بر یک میلیارد و دوست میلیون یورو دارد. آمارهای جام جهانی ۲۰۰۲ نشان داده بود که ۲۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر در ۲۱۲ کشور جهان بازیهای جام جهانی را به تماشا نشسته بودند. با توجه به افزایش ۲۰ درصدی تماشاگران فوتبال در ورزشگاه های آلمان در جریان جام ۲۰۰۶، می توان نتیجه گرفت که نمودارها در این خصوص نیز سیر صعودی داشته اند. هر بسته تبلیغات سی ثانیه ای که در شرایط عادی، اما اوقات مهم تلویزیون های انگلستان، تا ۶۰ هزار پوند به فروش می رسد، در ایام جام جهانی با رقمی معادل نیم میلیون پوند معامله می شود. صفحات پایگاه اینترنتی رسمی فیفا بیش از دو میلیارد بیننده داشته است.

جام جهانی ۲۰۰۲ بیش از ۵۰۰۰ کارمند ایستگاه های رادیو تلویزیونی، ۲ هزار و ۷۰۱ روزنامه نگار و ۸۴۹ عکاس را پذیرفت. این آمارها برای جام های بعدی قطعاً افزایش داشته اند.

اهمیت یافتن موضوع امنیت بازیکنان، میهمانان و طرفداران است. جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، در یک سالگی انفجارهای لندن، انفجارهای اسپانیا و التهاب جنگ و تنش در خاورمیانه و تهدیدات تروریستی، با آرامش به پایان رسید. در این عرصه نیز میلیون ها دلار سرمایه گذاری از دوربین های مدار بسته تا مأمورین ویژه و غیره شده بود.

شایان ذکر است که در بازی های اخیر یورو ۲۰۰۸، تنها ۷۰۰ میلیون یورو سود خالص نصیب اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) شده است.

در مسابقات جام جهانی فوتبال، هم چنین سه پدیده زشت با حمایت سرمایه داری جهانی، به نحوی پیچیده در اعماق جوامع سازمان دهی و به مرکز صحنه رانده می شوند: اولی نژادپرستی، دومی انواع و اقسام مواد مخدر و سومی تن فروشی. باندهای مافیایی سرمایه داری برای تحت پوشش قرار دادن جامعه در این عرصه های مخرب و غیرانسانی از ماه ها قبل تدارک ویژه ای می بینند و حتی قربانیان خود (توزیع کنندگان مواد مخدر، تن فروشان و...) را از کشورهای فقیر انتخاب می کنند که برده وار کار کنند.

دیوید زیرین، تحلیل گر ورزشی آمریکا که در زمینه ورزش و نژادپرستی کار کرده است، در کتابی تحت عنوان «اسم من چیست؟ احمق» را در همین رابطه منتشر کرده است. نام کتاب جمله ای است از محمد کلی قهرمان بکس قبلی جهان در جریان یک مسابقه. دیوید زیرین در این کتاب از جمله صداقت، شهامت و استواری کلی جوان را در مبارزه با راسیسم و جنگ و تجاوز در این کتاب ستوده است که خود داستانی است شنیدنی و باید جداگانه به آن پرداخت.

زیرین، در مورد راسیسم و فوتبال می گوید در جریان بازی های مقدماتی در سراسر اروپا صحبت در مورد نژادپرستی در سطح بالا جریان داشت و این ماجرا با مسایلی مثل مهاجران، پناهندگان و احساسات ضد مسلمان ها گره خورده بود و در این جریان حوادث بسیار زشتی اتفاق افتاد. از جمله این که بازیکنان بزرگ آفریقایی که در تیم های اروپایی بازی می کردند، هربار که پای آن ها به توپ می خورد، صدای میمون از درون صفوف هواداران بلند می شد. هواداران از لژ پوست موز یا نارگیل روی بازیکنان سیاه پوست پرت می کردند. کار به جایی کشید که یک بار یک ستاره نامدار کامرونی که با تیم بارسلونا بازی می کند، آن قدر ناراحت شد که جدا راه خروج از زمین بازی را در پیش گرفت و گفت: «من دیگر بازی نخواهم کرد.» بازیگران هر دو تیم در تلاش با یکدیگر توانستند این نوع هواداران را بیرون کنند تا بازی ادامه پیدا کند. بار دیگر یک بازیکن آفریقایی به نام مارک زورو که با کلوب های سطح بالای ایتالیا بازی می کند توپ را از زمین برداشت و در حالی که آن را زیر بغل گرفته بود، می خواست از زمین خارج شود. او اجازه نمی داد کسی دست به توپ بزند. به شدت برآشفته بود. یکی از بازیگران سیاه پوست گفت: «در اروپا با ما بدتر از سگ رفتار می کنند.»

هولیکانیسم نیز یکی دیگر از پدیده های زشت بازی فوتبال است و هواداران تیم های فوتبال تمام خشم و عصبانیت شان را در طی مسابقات سر مخالفین خود خالی می کنند و هر آنچه که دست شان می رسد تخریب می کنند.

اکنون ورزش و در راس آن فوتبال، به شکلی از سرمایه و تجارت در دست کمپانی های بزرگ و صاحبان قدرت تبدیل شده است. سرمایه داری جهانی به خصوص از طریق شرکت های چند ملیتی، که مبلغ و سازماندهی اصلی این بازی و سرگرمی جهانی هستند، همواره از این طریق سیاست های ناسیونالیستی، فاشیستی و باورهای خرافی مذهبی را باز تولید می کنند. تنها با تبلیغ و گسترش سیاست های انترناسیونالیستی که بر آزادی و برابری انسان ها بدون توجه به ملیت، جنسیت و باروهای شان تأکید می ورزد قادر است جامعه جهانی را از این تبلیغات مسموم کننده و خطرناک رهایی بخشد و موقعیت بازی فوتبال و ورزش های دیگر را به همبستگی، ساعات خوش و تفریح واقعی انسانی تبدیل کند.

یازدهم تیر ۱۳۸۷ - یکم ژوئیه ۲۰۰۸